

داستان‌های کوتاه امریکای لاتین

گردآوری: روبرتو گونسالس اچه‌وریا

ترجمهٔ عبدالله کوثری



فهرست مطالب

۷ سخن مترجم
۹ مقدمه

دوره استعمار

۴۷ پوپول ووه / داستان دوشیزه
۵۱ گارسیلاسو د لا وگا، ال اینکا / ماجرای پدر و سرانو
۵۷ کاتالینا د اراؤوسو (ستوان راهبه) / حکایتی از ماجراهای رزمی و عشقی

ملت‌های جدید

۶۷ استبان اچه‌وریا / کشتارگاه
۸۹ ریکاردو پالما / آنجا که شیطان پانچواش را گم کرد
۹۹ ژواکیم ماریا ماشادو د آسیس / عشای نیمه‌شب

دوره معاصر

۱۱۵ اوراسیو کیروگا / جوجه سرکنده
۱۲۷ آفونسو انریکس د لیما بارتو / مردی که زبان جاوه‌ای را بلد بود
۱۴۱ رومولو گایه‌گوس / آرامش در آن بالا

۶ داستان‌های کوتاه امریکای لاتین

۱۵۱ ماریو د اندرادا / بوقلمون کریسمس
۱۶۱ انریکه آموریم / عکس
۱۶۷ آلیخو کارپانتیه / بازگشت به خاستگاه
۱۸۷ ماریا لوییزا بومبال / درخت
۲۰۱ میگل آنخل آستوریاس / قصه‌گیسو (یا افسانه‌ ژولیده‌مو)
۲۰۹ خوان بوش / شب کریسمس انکارناسیون مندوسا
۲۲۳ ژوانو گیمارس روسا / کرانه‌ سوم رود
۲۳۱ خوان کارلوس اونتی / طالع نحس
۲۶۷ خوان رولفو / بگو مرا نکشند
۲۷۷ خوان خوسه آرئولا / سوزن‌بان
۲۸۷ اوگوستو روئا باستوس / نازاده
۲۹۹ ماریو بندتی / بودجه
۳۰۷ خوسه دونوسو / گردش
۳۳۳ کارلوس فوئنتس / ملکه‌ عروسک‌ها
۳۵۵ ماریو بارگاس یوسا / جدال
۳۷۳ کریستینا پری روسی / آستانه
۳۸۱ روساریو فیره / وقتی زنان مردان را دوست می‌دارند
۳۹۹ فرای رامون پانه / اندر حکایت جداشدن مردان از زنان
۴۰۵ بار تولومه د لاس کاساس / بلای مورچه
۴۱۳ خوانا مانوئلا گوریتی / کسی که گوش می‌کند
۴۲۵ ژوانو د ریو (پائولو بارتو) / ملوسکی با لباس صورتی
۴۳۵ رافائل آروالو مارتینس / مردی شبیه اسب
۴۵۱ روبن داریو / مرگ ملکه چین
۴۶۱ لوییزا مرسدس لوپنسون / کلبه‌ای در جنگل
۴۷۱ هکتور مورنا / سرهنگ سواره نظام
۴۸۳ خولیو کورتاسار / طاقباز در شب
۴۹۵ خوان کارلوس اونتی / خوش آمدی، باب
۵۰۷ خوان رولفو / تالپا
۵۱۹ روساریو کاستلانوس / درس آشپزی
۵۳۵ خوسه بالسا / پشت آن زن
۵۵۱ رینالدو آرناس / پایان رژه

سخن مترجم

دنیای گسترده و حیرت‌آور ادبیات امریکای لاتین تنها به رمان‌هایی که تاکنون خوانده‌ایم و خواهیم خواند محدود نمی‌شود. در این منطقه از جهان داستان کوتاه از دیرباز جایگاهی والا و قابل‌قیاس با رمان داشته است. آنچه در این مجموعه آمده کیفیت استثنایی این داستان‌ها را آشکار می‌کند. تاکنون چند مجموعه از داستان‌های کوتاه امریکای لاتین به فارسی منتشر شده است. این مجموعه نیز دریچه دیگری است بر دنیایی که هنوز برای مبهوت کردن ما شگفتی‌ها در آستین دارد.

مأخذ اصلی من در ترجمه این مجموعه کتاب *داستان‌های کوتاه امریکای لاتین*^۱ چاپ دانشگاه آکسفورد و گردآورده روبرتو گونزالس اچه‌وریا، استاد ادبیات امریکای لاتین و ادبیات تطبیقی در دانشگاه ییل است. کتاب به سه بخش تقسیم می‌شود: دوران استعمار، ملت‌های جدید و دوران معاصر. بدین ترتیب سیر تحول داستان کوتاه امریکای لاتین با خواندن این داستان‌ها بر خواننده روشن می‌شود. آقای اچه‌وریا علاوه بر مقدمه‌ای مشروح و جامع، که مطالعه آن را به خواننده توصیه می‌کنم، بر هر بخش از کتاب مقدمه‌ای

1. *The Oxford Book of Latin American Short Stories*, Edited by Roberto González Echevarría, Oxford University Press, 1997.

کوتاه و روشنگر نوشته و افزون بر آن شرح احوال و آثار هر نویسنده را به گونه‌ای فشرده پیش از هر داستان آورده است، و این به‌خصوص برای ما فارسی‌زبانان که بسیاری از این نویسندگان را نمی‌شناسیم بسیار سودمند تواند بود.

اصل کتاب ۵۲ نویسنده (یا ۵۲ داستان) را در ۴۸۰ صفحه دربرمی‌گیرد. ترجمه کل این کتاب به فارسی چیزی حدود ۷۰۰ صفحه می‌شود، و این با توجه به وضع فعلی کتاب حجمی بیش از اندازه بزرگ است. پس بر آن شدم تا از این مجموعه گزیده‌ای فراهم آرم. باید اعتراف کنم که گزینش از میان داستان‌هایی که هر یک نمونه ممتاز داستان کوتاه‌اند، کاری ساده نبود. تلاش را بر این نهادم که مانند اصل کتاب داستان‌هایی را برگزینم که نماینده خوبی برای هر دوره باشند. بدیهی است که دوران معاصر مفصل‌ترین بخش این مجموعه را تشکیل می‌دهد. همه داستان‌هایی که در این گزیده آمده از مجموعه آکسفورد است به‌جز داستان «بودجه» که آن را از مجموعه‌ای دیگر^۱ انتخاب کرده‌ام.

نکته‌ای که باید یادآوری کنم این است که متن انگلیسی مترجمان بسیار دارد و کار یک یا دو مترجم نیست. در میان این مترجمان به نام‌های مشهوری چون گرگوری راباسا، مارگرت سیرز پدن و هلن لین برمی‌خوریم و بسیاری دیگر برای ما ناشناخته‌اند، اما کیفیت کارشان به هیچ روی از آن مترجمان سرشناس پایین‌تر نیست. به‌جز چند استثنا، هر مترجم یک داستان را ترجمه کرده است.

امیدوارم در فرصتی مناسب مجموعه‌ای دیگر از داستان‌های کوتاه امریکای لاتین فراهم آرم و آنچه را که در این گزیده نیامده در آن مجموعه بگنجانم.

1. *Penguin Spanish Parallel Texts, Spanish Short Stories*, Edited by Jean Franco, first published 1966.

مقدمه

در امریکای لاتین داستان کوتاه ژانری^۱ است با محبوبیت فراوان میان خوانندگانی از هر دست. پرتوقع‌ترین محافل ادبی نیز آن را به رسمیت شناخته‌اند. بسیاری از نویسندگان نام‌آور امریکای لاتین فقط داستان کوتاه می‌نوشتند. برای مثال اوراسیو کیروگا، خورخه لوییس بورخس و خوان خوسه آرئولا. و برخی از رمان‌نویسان سرشناس این منطقه داستان‌های کوتاهی نوشته‌اند که به اندازه رمان‌هاشان مایه شهرت و اعتبار ایشان شده است. از آن جمله‌اند، ماشادو د آسیس، گابریل گارسیا مارکز و خوان رولفو. سایر رمان‌نویسان موفق مثل خولیو کورتاسار و رینالدو آرناس به گمان برخی صاحب‌نظران بهترین آثار خود را در قالب داستان کوتاه آفریده‌اند. در هر کشور گزیده‌های فراوان از داستان کوتاه منتشر شده و جوایز بسیار به نویسندگان اهدا شده است. گنجینه سرشار داستان کوتاه امریکای لاتین که غنایی همچون کل ادبیات و هنر این منطقه دارد، انکار عقیده کسانی است که ساده‌اندیشانه توسعه‌نیافتگی اقتصادی و بی‌ثباتی سیاسی را با فقر هنری معادل می‌گیرند. برخی از نویسندگانی که نام بردیم در شمار بهترین

۱. genre، نوع ادبی.

نویسندگان جهان‌اند و بر ادبیات توسعه‌یافته‌ترین کشورها اثر نهاده‌اند. در آغاز سخن باید برخی از دریافت‌های نادرست از ادبیات امریکای لاتین را به یک سو برانیم. یکی از این دریافت‌های نادرست که با درخشش ناگهانی رمان‌نویسان دهه ۱۹۶۰ (مشهور به شکوفایی رمان امریکای لاتین) پدید آمد، این است که ادبیات امریکای لاتین پدیده‌ای تازه و بی‌پیشینه است. اما در واقع با توجه به ماهیت امپراتوری ایبریایی^۱ که امریکای لاتین از آن پدید آمد، از قرن شانزدهم این منطقه، خاصه در قلمرو اسپانیا، توانست فعالیت‌های ادبی خود را با فعالیت‌های غرب همگام کند. دریافت نادرست دیگر که پیامد دریافت نخست است، این است که ادبیات امریکای لاتین به سبب تاریخ و محیط جغرافیایی منطقه، ماهیت و مضمون روستایی دارد. اما برخلاف زندگی مستعمرات در امریکای شمالی، امپراتوری اسپانیا برگرد شهرهایی آباد شکل گرفت و شهرهایی که مقر دربارهای باشکوه نایب‌السلطنه‌ها بودند، با بسیاری مراکز مادرشهر رقابت می‌کردند و گاه از آنها پیش می‌افتادند. در بسیاری مناطق، مثل مکزیک، اسپانیایی‌ها ناچار بودند با فرهنگ بومی که پرتوان و پیشرفته بود و شهرهای بزرگ و کاملی از آن خود داشت رقابت کنند، نه با قبایلی چادرنشین. پایتخت نایب‌السلطنه مکانی بود برای همزیستی شهرهای بومی و اروپایی. ادبیات امریکای لاتین از همان آغاز فعالیت شهری بود، حتی زمانی که مضامین روستایی داشت، از آن روی که نویسندگان، با مقاصد سیاسی، به جنگل و صحرا و سرزمین‌های دور از ساحل توجه می‌کردند.

نکته آخر این که برخی منتقدان، ادبیات امریکای لاتین را به سبب جهت‌گیری‌هایش، ولایتی و به سبب تکنیک‌هایش، که بازتاب نزدیکی به طبیعت است، ناپخته به شمار می‌آرند. اما به‌راستی عکس این عقیده صادق است. وجه غالب ادبیات امریکای لاتین جهان‌وطنی و پیچیدگی است. در دوران استعمار حیات فکری تحت سلطه مکتب نومدرسی^۲ بود که تأکید

۱. Iberian، شامل اسپانیا و پرتغال. - م.

بسیار بر منابع کلاسیک و میهنی، و فن بلاغت و منطق داشت. این را نیز بیفزاییم که روش آموزش و دانشی که آموخته می‌شد همراه با مباحثات پرتکلف دربارهٔ واقعیت، عاداتی ذهنی پدید آورد که میراث نامبارکی در سیاست و کل فرهنگ منطقه برجا نهاد. از همان قرن شانزدهم دانشگاه قدیس توماس آکویناس، در هیسپانیولا^۱ دایر بود همچنین در تلاتلولکو^۲، در مکزیک، دانشگاهی برای آموختن لاتین به پسران اشراف بومی وجود داشت. امپراتوری اسپانیا با کلام قانون اداره می‌شد، امپراتوری پرتغال نیز چنین بود اما با جدیتی کمتر. این رسم و عرف بعد از استقلال نیز برجا ماند. از قرن نوزدهم، آن‌گاه که ادبیات امریکای لاتین بدل به فعالیت اجتماعی آگاهانه و هدفمند شد، پاریس کانون فکری و هنری امریکای لاتین بود، و هنوز شهری است که نویسندگان کشورهای گوناگون در آنجا به دیدار هم و مبادلهٔ افکار می‌روند. ادبیات امریکای لاتین از همان زمان تا حد بسیار زیادی جهان‌وطن بوده است. نویسندگان امریکای لاتین، همچون بورخس، آلخو کارپانتیه و ژوائو گیمارس روسا، افرادی با دانش وسیع و مسلط به چند زبان بودند. تظاهر به ساده‌دلی و طبیعی بودن که ظاهراً در میان نویسندگان امریکای شمالی رواج دارد، در میان نویسندگان امریکای لاتین خصلتی عام نیست، زیرا اینان از دانش و فضل خود شرمند نیستند. تعهد سیاسی هم مانعی در راه آموختن یا پالایش شگردهای هنری نبوده است. خوسه مارتی، انقلابی و شاعر کوبایی قرن نوزدهم، دست‌کم سه زبان می‌دانست و شعرهایی بسیار زیبا دارد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد این سنت دیرینهٔ ادبی در امریکای لاتین کیفیت و کمیت داستان‌های کوتاه آن است. این ویژگی را می‌توان نتیجهٔ همگرایی چرخه‌هایی روایی دانست که از منابع گوناگون و توانمند سرچشمه گرفته‌اند: فرهنگ‌های بومی گوناگون (آزتک، مایا، اینکا، گوارانی)، چند فرهنگ

۱. Hispaniola، جزیره‌ای بین کوبا و پورتوریکو. - م.

2. Tlatelolco

افریقایی (مهم‌ترین آنها یوروبا) و فرهنگ ایبریایی که خود شامل پرتغالی، گالیسی و کاتالان می‌شود، و نیز کل فرهنگ اروپایی که از طریق قرون وسطی به دوران کلاسیک و کتاب مقدس و آنگاه به منابع هندو-اروپایی گنجینه روایت‌های غرب می‌رسد. اما فراوانی داستان کوتاه در امریکای لاتین دلایل دیگر نیز دارد. برای مثال در منطقه‌ای که میان کشورهای مختلف با زبانی واحد تقسیم شده، داستان کوتاه که به سهولت سفر می‌کند، ژانری است که نویسندگان امریکای لاتین به کمک آن با شتابی بیشتر با هم آشنا می‌شوند. دلایل دیگر برای غنای داستان کوتاه امریکای لاتین هر چه باشد، این داستان‌ها نه تنها تاریخچه‌ای مشترک، بلکه ویژگی‌هایی مشترک با داستان کوتاه در سراسر جهان دارند. از میان همه ژانرهای منثور، داستان کوتاه هم بیشترین جنبه ادبی را دارد و هم کمترین جنبه را. بیشترین از آن روست که داستان کوتاه هنرمندانه در مورد قالب و اصالت بسیار سختگیر است و کمترین از آن روی که داستان کوتاه تنها ژانر منثور مدرن است که سنت شفاهی، حتی در گفت‌وگوهای روزانه، در کنار آن برجا مانده و چندان توجهی به جزئیات صوری یا نوآوری ندارد. قصه‌گویی به‌طور عمده عبارت است از انتقال روایتی دریافت شده از قصه‌ای مشخص که قبلاً بارها و بارها بازگویی شده است. انسان در زندگی روزانه داستان‌های کوتاه بسیار می‌شنود. غیبت کردن خود نوعی داستان کوتاه است، همچنین حکایت‌هایی که سر میز شام گفته می‌شود. اینها ممکن است به هماهنگی و رنگارنگی نمونه‌های ادبی باشند. این گفته در مورد لطیفه‌ها نیز صدق می‌کند که بیش از تازگی، به مهارت گوینده در اجرا بستگی دارد. دروغ هم اغلب داستان‌های کوتاهی است با دقت بسیار در ساختار، و نیز اعترافات در برابر مقامات حکومتی، حقوق‌دانان یا روان‌پزشکان. قصه‌گویان روستایی در ونزوئلا امروز سنت را با تکنولوژی مدرن در آمیخته‌اند، و نوار کاست قصه‌های خود را در ایستگاه‌ها و جایگاه‌های بنزین به فروش می‌رسانند.

برخلاف آنچه انتظار می‌رود، این ژانر در علوم اجتماعی زندگی تازه‌ای

یافته است. شرح حال‌های ارائه شده در روانکاوی، انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی اغلب شبیه داستان کوتاه‌اند، و این واقعیت را قوم‌نگاری امروز تأیید می‌کند. دوتا از مؤثرترین مجموعه‌های داستان کوتاه در صد سال گذشته، *The Golden Bough* (۱۸۹۰) نوشته سر جیمز جی. فریزر^۱ و *The Interpretation of Dreams* (۱۹۰۰) نوشته سیگموند فروید بوده است. آثار کارل یونگ رابطه میان داستان‌های اساطیری و ناخودآگاه را نشان داد و کلود لوی-استراوس^۲، ساختار ژرف قصه‌ها را با ساختارهای زبان مقایسه کرد. ظاهراً داستان کوتاه از گذشت زمان، سلايق ادبی، پیشرفت و تنوع فرهنگ‌ها گزند نمی‌بیند. هر کس، در هر جا، همیشه داستان‌ها گفته، هرچند مقصودش با توجه به آن لحظه تاریخی متفاوت بوده است. داستان‌های تائینویی، مایایی و اینکایی که در این گزیده آمده، شاید در فضای فرهنگی اصلی، کارکردی آیینی و نیایشی داشته است.

اگرچه تعریف این ژانر مشکل است، داستان کوتاه—نوعی پدیدارشناسی—حس و ترکیبی دارد که با طول محدود آن و زمان کوتاهی که صرف خواندن یا شنیدنش می‌کنیم مشخص می‌شود. اما سنجش طول داستان آسان نیست—هرچند داستان کوتاه اغلب باید چنان باشد که در یک نشست خوانده شود، تا وقتی به پایان می‌رسد کل آن در ذهن خواننده باقی مانده باشد. این‌که چرا داستان کوتاه هنری این قدر به فکر وحدت طرح، نمادگرایی و نواخت داستان است هنوز پاسخ روشنی ندارد. در این صورت داستان کوتاه شبیه شعر غنایی و موسیقی می‌شود. یک جمله موسیقی فقط زمانی بر شنونده اثر می‌گذارد که جمله قبلی هنوز در گوشش طنین‌انداز باشد. از خواننده داستان کوتاه خوش ساخت انتظار می‌رود رویدادهای قبلی یا هر جزئیات دیگر را به یاد داشته باشد و در ذهن خود رابطه‌ای میان آنها ایجاد کند. لذت زیباشناختی حاصل از داستان کوتاه خوب، که احتمالاً

1. Sir James G. Frazer

2. Claud Lévi-Strauss

ناگهانی و فشرده است، به توان داستان در انگیزش این تداعی‌ها وابسته است. اما تفاوت میان داستان کوتاه و شعر غنایی و موسیقی بسیار است. یک داستان خوب شاید بتواند از اجرایی بد به دست نویسنده‌ای خامکار جان سالم به در برد. هسته اصلی آن در واقع تلاقی رویدادهاست، مستقل از نحوه اجرا و شگردهای ادبی باب روز. از این روست که داستان کوتاه، همچون چکامه‌های مردمی، گاه نویسنده شناخته شده‌ای ندارد. ولادیمیر پروپ^۱ با توجه به این مسئله نوعی «ریخت‌شناسی» برای قصه‌های عامیانه روسی پیشنهاد کرد، چنان‌که گویی این داستان‌ها به اندازه خود زبان در میان مردم مشترک هستند. دلیل دیگر برای غنای سنت داستان کوتاه در امریکای لاتین احتمالاً ترکیب کردن قالب‌های والای ادبی با قالب‌های بسیار سنتی است.

نخستین داستان‌های کوتاهی که به زبان‌های اروپایی از جایی که بعدها امریکای لاتین نامیده شد سرچشمه گرفت، بی‌تردید قصه‌هایی بود که ملاحان از ماجراهای خود در میخانه‌های بندرهای چون کادیث (قادس)، سویل و لیسبون تعریف می‌کردند. برخی از این داستان‌ها که در طول سفرهای جانفرسای دریایی بارها واگو شده و صیقل خورده بود، در نوشته‌های پتر مارتیر دانگیرا^۲ (۱۴۹۵-۱۵۲۶) نخستین مورخ دنیای جدید و نیز نخستین گردآورنده امریکانا (هم درباره صنایع دستی و هم درباره فرهنگ این منطقه) راه یافته است. این نویسنده خستگی‌ناپذیر در *De orbe novo decades*، با لذتی نمایان، حکایتی درباره مادر خرونیمو د آگیلار نقل می‌کند که وقتی (در خبری نادرست) شنید آدم‌خواران پسرش را خورده‌اند دیوانه شد. او همچنین خواننده را با نقل کارهای قهرمان‌وار میمونی یک دست - که وقت اسارت به آن روز افتاده بود - سرگرم می‌کند. دانگیرا در عین حال بسیاری از داستان‌های تائینو را که در واقع فرضیه پیدایش کیهان است، گرد آورده و شباهت‌های آنها را با اساطیر کلاسیک نشان داده است. او با این

1. Vladimir Propp

2. Peter Martyr d'Anghiera

مشاهدات موضوعی را مطرح کرد که حتی امروز مایهٔ دردسر فیلسوفان و انسان‌شناسان شده و آن موضوع این است که آیا اسطوره پدیده‌ای کلی است که با داستان‌های مشابه در مناطق جداگانهٔ جهان نقل می‌شود؟ آیا ذهنیتی جهانی در این داستان‌ها یافت نمی‌شود؟ در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم اجزای چیزی که بعدها ادبیات امریکای لاتین شد (و از قضا به دست این اومانیست شایسته به لاتین نوشته شد) در نوشته‌های تأثیرگذار دانگیرا فعال شده بود. نفس فعالیت او در مقام گردآورندهٔ قصه‌هایی از خاستگاه‌های مختلف، که خود آنها را در قالب بلاغی اروپایی می‌ریخت (و البته سازگار کردن آنها با هم و با اصل مأخذ کار ساده‌ای نبود)، در واقع پیش‌بینی دشواری‌ها و نیز برخی راه‌حل‌هایی است که نویسندگان امروزی امریکای لاتین ابداع کرده‌اند.

دنیاى جدید، فقط از دیدگاه اروپاییان «جدید» بود. مردم بومی آنجا قرن‌ها قبل از آن‌که کشتی‌های کریستوف کلمب در آن صبح دوران‌ساز ۱۲ اکتبر ۱۴۹۲ در افق این منطقه پدیدار شوند، برای هم قصه می‌گفتند. قصه‌های آنان، مانند داستان‌های عهد عتیق و اساطیر کلاسیک، دربارهٔ منشأ جهان و انسان بود و شامل قصه‌هایی دربارهٔ آشوب‌های کیهانی، زناى محارم، خشونت، خیانت، کشمکش‌های شاهان و مهاجرت‌های بزرگ می‌شد. این داستان‌ها و سیله‌ای بود برای تجسم بخشیدن به جهان و چاره‌گری واقعیت‌های تلخ و تندی که زنان و مردان در هر کجا با آن رودررو می‌شدند، یعنی تقدیر، مرگ، عروج به عالم بالا و سازماندهی زندگی اجتماعی. از بی‌اعتباری عشق، خواه عشق پدر-فرزندی و خواه عشق جسمانی، سخن می‌گفتند، از رفتن و آمدن نسل‌ها، ترس از پدیده‌های طبیعی، و مسائلی از دانش و قداست. برخی از کشیشان، خشمگین از رفتار فاتحان با این مردم که به غلط «هندی»^۱ نامیده می‌شدند، این داستان‌ها را جمع کردند و به‌صورت

۱. Indian، امروز ما این کلمه را سرخ‌پوست ترجمه می‌کنیم. - م.

مکتوب درآوردند تا ثابت کنند این مردمان از نژاد انسان و از فرزندان خدای مسیحیان‌اند. تازگی این داستان‌ها اغلب حیرت‌آور بود اما بداعت فرهنگ اروپایی، خاصه مسیحی، برای بومیان منطقه از این نیز بیشتر بود.

داستان‌های اروپایی و امریکایی، سرانجام با هم درآمیخت، زیرا بومیان، هر کدام با صداقتی کمتر یا بیشتر و اغلب به سبب وحشت از سُبُعیت ناگفتنی فاتحان، آیین جدید را پذیرفتند. این فرایند بار دیگر تکرار شد، آن‌گاه که افریقایی‌ها به‌عنوان برده به مناطق گوناگون دنیای جدید، خاصه کارائیب و برزیل، پای نهادند. روش‌های گوناگون گردآوری داستان که آن کشیشان ابداع کردند هنوز هم رواج دارد. ما برخی از داستان‌های این مجموعه را وامدار کشیشان اوایل دوران استعمار، و سپس وامدار انسان‌شناسان هستیم، زیرا تا پیش از ورود اروپاییان هیچ نوع کتابتی در دنیای جدید وجود نداشت. مشکلاتی که در این فرایند گردآوری پیش می‌آمد - مشکلات سیاسی، اخلاقی و ادبی - اغلب در بافت داستان‌ها، خاصه در داستان‌های دوران جدید، جای می‌گرفت. بنابراین، قصه‌های تائینویی، مایایی و اینکایی که در این مجموعه آورده‌ایم، به معنای تاریخی ماقبل اسپانیایی نیستند بلکه مابعد اسپانیایی‌اند زیرا اینها بخشی از فرایند مداوم بازنویسی و کشف دوباره‌ای است که استعمار آن را تشویق می‌کرد. این داستان‌ها را در آغاز کتاب آورده‌ایم تا توالی زمانی آنها را رعایت کرده باشیم و بدین سان سرگذشت داستان کوتاه امریکای لاتین به روشنی دانسته می‌شود. اما خواننده باید آگاه باشد که کژسانی‌هایی ناگزیر به‌هنگام بازنویسی، این داستان‌ها را از متن اصلی شان دور می‌کند.

داستان‌های گردآورده کسانانی چون دانگیرا، رامون پاننه، یا برناردینو دِ سائاگون، تنها قصه‌های بومی نبود که به مطبوعات اروپا راه یافت. چیزی نگذشته، پسران سوادآموخته بومیان مغلوب، با دیدگاهی تقسیم شده به نوشتن روی آوردند. اینان ساکنان دو دنیای ذهنی بودند که می‌کوشیدند یکی

از آن دنیاها را برای آن دیگری توجیه کنند. آرنولد توین بی^۱ آن‌گاه که از گارسیلاسو د لا وگا ال اینکا سخن می‌گوید، به گونه‌ای سودمند این قشر جدید از نویسندگان دورگه را تشخیص می‌دهد. این نویسندگان که در طول تاریخ مدرن حضور دارند، همچون قشری که روس‌ها آن را «ایتلیجنتسیا»^۲ می‌خوانند، بومیانی بودند که می‌خواستند فرهنگ خودشان را برای فاتحان توضیح دهند (قابل فهم کنند)، و در این کار از ذخایر ایدئولوژیک و فنی فاتحان نیز سود می‌جستند. در امریکای لاتین دوران استعمار، این نویسندگان در واقع بنیان آیین اروپایی را برای محکوم کردن اروپاییان به کار گرفتند. گواما پوماد آیالا^۳ - که مثل گارسیلاسو د لا وگا از دیدگاه مسیحی می‌نوشت - اسپانیایی‌ها را سرزنش می‌کرد که بنابر اصول مذهب خود رفتار نمی‌کنند. هیچ‌یک از این دو نویسنده مسیحیت را - که در آن زمان آشکارا کانون اصلی ایدئولوژی غربی بود - آماج تردید نمی‌کند، چرا که این مذهب مجموعه‌ای گسترده از اعتقاداتی است که او به آن وفادار است. درگیرودار این ابهامات و ویژگی عذاب‌آور دورگه بودن، این نویسندگان سردرگمی نویسندگان امروزی امریکای لاتین را پیش‌بینی می‌کردند. این نویسندگان برای آن‌که خود را از غرب متمایز کنند باید به فکر استفاده از ابزارهای ایدئولوژیکی باشند که غرب در اختیارشان می‌نهد.

افسانه‌های مربوط به پیدایش جهان که در فرهنگ‌های بومی می‌یابیم تنها داستان‌های جهان‌شمول در امریکای لاتین دوران استعمار نبود. گزارش‌های مربوط به کشف و فتح قاره نیز دامنه‌ای جهانی داشت. اکتشاف دنیای جدید به عقیده بارتولومه د لاس کاساس کشیش، بزرگ‌ترین رویداد تاریخی از تولد مسیح به بعد بود. از همان زمان احساس زیستن در نقطه عطف تاریخی و حضور در آغازی پراهمیت، در داستان‌های امریکای لاتین نفوذ کرده است. آگاهی از این‌که کشف دنیای جدید تا چه حد برای تاریخ جهان حیاتی است،

۱. Arnold Toynbee، مورخ مشهور انگلیسی. - م.

۳. Guama Poma de Ayala

۲. intelligentsia

در عین حال آغاز حس مدرن زمانمندی^۱ نیز بود. مردم احساس می‌کردند در شکافی تاریخی افتاده‌اند، احساس می‌کردند یک جنبش زمانی بی‌امان و برگشت‌ناپذیر که حصار ایمن سنت را به هم می‌ریزد، ایشان را می‌روبد و به سوی می‌افکند، این احساس را می‌توان در تلاش برای تکرار فرهنگ، از جمله بازگویی داستان‌ها مشاهده کرد. مونته‌سوما، پادشاه مغلوب آزتک، تنها توضیحی که برای حضور کورتس و سپاهش داشت، تحقق یک پیشگویی^۲ در نظام اعتقادات آزتک بود. این راهی بود برای گریز از ورطه‌ای که پیش رویش گشوده شده بود. آن حس اضطراب تاریخی که در بسیاری از وقایع‌نامه‌های دوران کشف و فتح به چشم می‌خورد، مشابه نوشته‌های پولوس قدیس است. این، آگاهی از وقوع گسستی در پیشروی حیات جمعی است که از آغازی شوم خبر می‌دهد.

در عمل این هشدار با اختراع حروف قابل انتقال^۳ میسر شد. برخی عقیده دارند دنیای جدید در واقع با مطبوعات چاپی کشف شده است. بحث دربارهٔ استعمار اسپانیا و پرتغال هنوز بازار گرمی دارد، زیرا گزارش‌های اصلی شگفت‌آور و فراوان از آن دوران در دست است. ما از کارها و نابکاری‌های اسکندر و داریوش شاه اطلاعاتی نسبتاً اندک داریم و هیچ چیز دربارهٔ هجوم آزتک‌ها به سمت جنوب، یعنی مناطق کوهستانی مرکز مکزیک نمی‌دانیم. اما فاتحان، به خصوص اسپانیایی‌ها در قرن شانزدهم تشکیلات دیوانی عظیمی پی نهادند که در تاریخ‌ها و اسناد قانونی همهٔ دستاوردها و ناکامی‌های هزاران تن از مردم را در هر مرتبه از زندگی، ثبت و ضبط می‌کرد. بایگانی‌های سیمانکاس و به خصوص **بایگانی هند**^۴ در سویل انباشته از این‌گونه اسناد

1. temporality

۲. این پیشگویی بازگشت کتسالکوآتل (Quetzalquatl) از خدایان قدرتمند آزتک بود. - م.

۳. movable types، اختراع گوتنبرگ. او برای هر یک از حروف الفبا حرفی جداگانه ساخت که می‌شد آن را بارها در چاپ به کار برد. - م.

4. Archivo de Indias

است. هم در تواریخ و هم در اسناد قانونی - دادخواست‌ها، اعترافات، گزارش‌ها و گواهی‌ها - بسیار بسیار داستان دربارهٔ استعمارگران و مردم مستعمرات می‌یابیم. این نوشته‌ها هر چند داستان کوتاه به معنای آنچه در قرن نوزدهم رواج یافت نیستند، در حد خود داستان‌هایی سرگرم‌کننده، پرمفهوم و خوش ساخت به شمار می‌آیند. انریکه پوپو واکر نشان داده است که چگونه در کتاب‌های تاریخی جامع این داستان‌ها به صورت تصاویر، مطالب سرگرم‌کننده، گریزهای خیال‌آمیز، و نیز به صورت مثال‌ها و سایر آرایه‌های بلاغی جلوه‌گر می‌شوند. برخی داستان‌ها، مثل ماجرای پدر و سرانوکه در این کتاب آورده‌ایم و آن را از کتاب گارسسیلا سو د لا وگا *The Royal Commentaries of the Incas* برگرفته‌ایم، شاید اشارت تلویحی سیاسی یا حتی فلسفی داشته باشد و آن این‌که اروپاییان آن‌گاه که تا حد توحش تنزل می‌یابند، درست همچون پست‌ترین بومیان رفتار می‌کنند.

آنچه تمام داستان‌های عصر استعمار را به هم پیوند می‌دهد مضمون و طرح گریز است، گریز جسمانی و فکری از قید و بندها، و گاه به معنای دقیق کلمه، زندان دنیای کهن. از این روست که در برخی از این داستان‌ها کژروی‌ها و حتی بزهکاری‌هایی می‌بینیم، مثلاً در نوشتهٔ کاتالینا دِ اراوسو^۱ و گاسپار دِ ویاروئل^۲. واقعیت تاریخی به ما می‌گوید بسیاری از بزهکاران به دنیای جدید آمدند تا از دست قانون فرار کنند. کریستوف کلمب خود در نخستین سفرش از زندانیان بهره‌گرفت و در ازای کارهای پرمخاطره به ایشان وعدهٔ آزادی داد. در قرن‌های شانزدهم و هفدهم، دنیای جدید در ناخودآگاه مردم مترادف با آزادی بود. میگل سروانتس بسیار اشتیاق داشت که به خدمتی در دنیای جدید گمارده شود، اما این را از او دریغ داشتند. آن نقطه عطف تاریخی که پیش از این یاد کردیم، در مقیاسی خردتر، می‌توانست به معنای تغییر هویت، و در برخی موارد برای یهودیان نوآیین، به معنای گریز از دستگاه تفتیش عقاید

1. Catalina de Erauso

2. Gaspar de Villarroel

باشد. برای کاتالینا د اراوسو، «ستوان راهبه»، آزادی به معنای تغییر جنسیت بود. در کتاب خوان رودریگس فریل^۱، *El Camero* (۱۶۳۶) که نخستین مجموعه داستان‌های دنیای جدید است، آنچه مایه انسجام مطالب می‌شود این است که همه آنها از سبب کاغذهای باطله دادگاه بوگوتا بیرون آمده‌اند. بدین سان، اغلب چنین پنداشته می‌شد که این داستان‌ها مطالب بی‌پایه‌ای است که از دادخواست‌های مردم آبرومند شهر جدا و دور ریخته شده است. وجه مشترک این داستان‌ها اعمال غیراخلاقی و غیرقانونی است. دیگر دوره دلآوری‌ها و پهلوانی‌ها نبود، چرا که دوران فتح به سر آمده بود. پس، این ماجراها بیشتر برگرد مسائل جنسی می‌گشت و اغلب به شکستن عهد و پیمان زناشویی مربوط می‌شد. ازدواج قانونی بنیادین است که نظم اجتماع و تسلسل مسالمت‌آمیز نسل‌ها را تأمین می‌کند. رودریگس فریل پافشاری بیش از حد قانون را در سرکوب تمایلات آدمی به تمسخر می‌گیرد و این دکامرون عصر استعمار را به کتابی شیرین و گاه اندکی وقیح‌نگارانه، تبدیل می‌کند. طبیعی است که برخی از این رسوایی‌ها به نوشته‌های کلیسا نیز راه می‌یافت، و این اسناد خود گنجینه سرشار دیگری است که گزارش‌های بسیار درباره زندگی خصوصی و حتی روابط محرمانه مردم آن عصر را دربرمی‌گیرد. تاریخچه‌های طولانی و اغلب ملال‌آور مربوط به فرقه‌ها، اسقف‌نشین‌ها و سایر تقسیمات کلیسایی، گاه داستان‌هایی پرآب‌وتاب دارد که بی‌بهره از ظرایف هنری نیست. اسناد مذهبی و قانونی در قرن هجدهم، از تنوع نوشته‌های قرن شانزدهم بی‌بهره است، اما در حد خود گزارش‌هایی جامع به‌شمار می‌رود و تصویری است از آن زندگی - اما نه ماجراها - که بنیان زندگی امروز امریکای لاتین را تشکیل می‌دهد.

دنیای دوران نایب‌السلطنه‌ها، دنیای باروک^۲ بود، تنها نه در تجلیات

1. Juan Rodríguez Freyle

۲. baroque، نهضتی فکری و هنری که در اواخر قرن هجدهم در ایتالیا برپا شد و به امریکای جنوبی نیز راه یافت. اوج آن در قرن ۱۸ بود. - م.

هنری، که نیز در بافت زندگی اجتماعی و سیاسی - نوشته‌های قانونی و مذهبی آن در قالب فلسفهٔ مدرسی دوران باروک بود. این زندگی سراسر تجمل و آکنده از مناسک و مراسم بود و مقامات مذهبی و حکومتی هر یک با جلوه‌فروشی قدرت و ثروت خود را به رخ این و آن می‌کشیدند. نهضت باروک با غرابت دنیای جدید همخوانی داشت و قالب‌های دریافت شده از معماری، نقاشی و ادبیات اروپا به این منطقه راه یافت. و عظمی و خطابهٔ مذهبی، چنان‌که در داستان ویاروئل می‌بینیم، برعهدهٔ کسانی چون خوان دِ اسپینوسا مدرانو^۱، از پیروان سرسخت دُن لوییس دِ گونگورا^۲ بود، و این‌یک، بزرگ‌ترین شاعر باروک آن دوران که در امریکای عصر استعمار اعتبار فراوان و مقلدان بسیار داشت. نویسندگان و شاعران دیگر، همچون خواهر خوانا اینس صلیبی^۳، نمایشنامه‌هایی به سبک کالدرون دِ لا بارکا^۴ می‌نوشتند و نیز شعرهایی می‌سرودند که در آنها اسپانیای عصر طلایی به اوج خود می‌رسید. «در پاسخ خواهر فیلوتا» نوشتهٔ خوانا اینس، که در آن از حق خود، در مقام یک زن، در استفاده از هوش و استعداد خویش و روی آوردن به نوشتن، دفاع می‌کند، در عین حال زندگینامهٔ مختصر او نیز هست - داستانی خوب که به دام آرایه‌های بلاغی فلسفهٔ نومدرسی و واژگان آن افتاده است. زندگی خوانا اینس، همچون زندگی بسیاری از کرئول‌های نامتعارف، و گاه خطاکار، زندگی است در گریز از عرف و قانون. در این زندگی هر چیز نامتعارف و ممنوع به هم می‌آمیزد. غرابت باروک این شاعر در این بود که زن بود و روشنفکر بود، به همان‌گونه که کاتالینا دِ اراؤسو ستوان راهبه بود. در برزیل فعالیت هنری و فکری قابل قیاس با مناطق تحت سلطهٔ اسپانیا

1. Juan de Espinosa Medrano

2. Don Luis de Góngora

3. Sur Juana Inés de la Cruz، برای آگاهی مختصر از زندگی این شاعر و نمونه‌ای از شعرهای او به مجلهٔ کیان، سال نهم، شمارهٔ ۵۰، دی و بهمن ۱۳۷۸ رجوع کنید. - م.

4. Calderón de la Barca (۱۶۰۰-۱۶۸۱)، نمایشنامه‌نویس نامدار اسپانیایی. - م.

5. Creole، آن گروه از ساکنان امریکای لاتین که تبار اروپایی، خاصه اسپانیایی، دارند. - م.

نبود، هرچند نمی‌توان آن را نادیده انگاشت، خاصه از قرن هفدهم با آثار آنتونیو وییرا^۱ ایسوعی (۹۷-۱۶۰۸) و گرگوریو د ماتوس^۲ حقوق‌دان (۹۶-۱۶۳۳). استعمارگران پرتغالی با فرهنگ‌های پیشرفته بومی نظیر آرتک، مایا و اینکا روبرو نشدند، بنابراین نیازی نداشتند تا با ایجاد جوامعی پیچیده مثل مناطق اسپانیایی، به رقابت با آن فرهنگ‌ها برخیزند. معابد آرتک بدل به کلیساهای باروک شد. علاوه بر این، پرتغالی‌ها با ماندگاری در نزدیکی دریا، در نبردهای عظیم و حماسی و مهاجرت‌های وسیع اسپانیایی‌ها درگیر نشدند. برزیل از همان آغاز، شاید به سبب خلق و خوی پرتغالی‌ها، در برابر نفوذ اروپا دروازه‌هایی گشوده‌تر داشت و در برخورد با جمعیت بومی چندان به مقابله برنمی‌خاست. برخلاف اسپانیا، پرتغال که اعراب را بسی زودتر شکست داده بود، خود را درگیر مسائل آیینی و خلوص نژادی نکرد. بنابراین، برای مسیحی کردن بومیان به‌هیچ روی تعصب اسپانیایی‌ها را نداشت. به همین مناسبت، جذاب‌ترین داستان‌ها از دوران استعمار برزیل، نوشته‌های ژان دلری^۳ در *Histoire d'un voyage fait en la terre du Bresil* (1578) *autrement dite Amerique* است که نویسنده‌گان و انسان‌شناسان از خواندنش بهره‌ها می‌برند.

ادبیات امریکای لاتین، به مفهوم فعالیتی خودآگاه، از پیامدهای فرایند استقلال در نخستین دهه قرن نوزدهم بود. آنگاه که مراکز نایب‌السلطنه‌نشین و دیگر تقسیمات سیاسی بدل به کشورهای مستقل شدند، نخبگان این کشورها کوشیدند ادبیاتی از آن خود پدید آورند. ملتی جدید می‌بایست جوهر وجود خود را در هنرش تجلی بخشد. این دولت‌های جدید با سرمشق گرفتن از الگوهای ناپلئونی، از جمله اونیفورم روشن رنگ ارتش‌هایشان، قانون اساسی نوشتند، مجالس قانون‌گذاری تشکیل دادند، سرود ملی

1. António Vieira

2. Gregorio de Matos

3. Jean de Léry

ساختند و از همه نشانه‌های مشروعیت و قدرت پرچمی طرح ریختند. بناهای یادبود تاریخی ساختند، آرامگاه‌هایی برای قهرمانان برپا کردند و تندیس‌ها برافراشتند. اصالت هر ملت و یکتایی آن، می‌بایست به نمایش درمی‌آمد و حفظ می‌شد. اساطیر ملی شالوده ادبیات ملی شد و در انبوهی شعر که در توصیف طبیعت امریکا سروده شده بود جای گرفت، نمونه آن چکامه‌های آندرس بلو^۱ است.

فعالیت ادبی از حجره‌های صومعه و مناظر و عظم و خطابه و دربار نایب‌السلطنه بیرون آمد و به مهمانخانه‌ها، کافه‌ها، باشگاه‌های سیاسی، روزنامه‌های نوپنیا و مجلات راه یافت. بنیان‌گذاران ملت و ادبیات اغلب یکی بودند. ادبیات امریکای لاتین در هنگامه فعالیت سیاسی بی‌امان شکل گرفت، و این ویژگی را هنوز هم از دست نداده است و بسیاری از داستان‌های این مجموعه همان رنگ و بو را دارند (بدین سان سیاست هم مایه سرافرازی ادبیات امریکای لاتین شد و هم آفت آن). روشنفکران و نویسندگان کشورهای مختلف امریکای لاتین در دهه ۱۸۳۰ در پاریس با هم دیدار کردند و ویژگی‌های مشترک و متفاوت یکدیگر را بازشناختند. اینان تبعیدیان، دیپلمات‌ها و مردان جوانی بودند که برای تحصیل به اروپا فرستاده شده بودند. بنابر دلایل جغرافیایی و سیاسی، گردهمایی ایشان در هیچ شهری از امریکای لاتین میسر نبود، پس، پاریس که سرنوشت مشترک ایشان بود، گهواره ادبیات مدرن امریکای لاتین شد. باید دانست که فرانسه کانون فعالیت هنری و ادبی اروپا و نیز کشوری بود که در آن داستان کوتاه در آثار نویسندگانی چون گی دو مویاسان، فلوبر و بسیاری دیگر، جایگاهی استوار یافته بود. الگوی مجلات امریکای لاتین طبعاً مجلات فرانسوی بود. همین گفته در مورد داستان نیز صدق می‌کند. نویسندگان امریکای لاتین پاورقی‌های مجلات فرانسه را می‌خواندند و از آنها تقلید می‌کردند و اغلب دست به ترجمه آنها می‌زدند.

1. Andrés Bello